

## دشمن را بشناسیم

احمد لقمانی

### طلیعه

نگاه درس آموز و عبرت پذیر هر یک از ما مبلغان به گذشته‌ی تاریخ و حوادث امروز جامعه، بینش و بصیرتی فراهم می‌کند تا در کنار سلسله مباحث شایسته‌ی اعتقادی و اخلاقی و فقهی، برخی از گفتارهای پویا و بنیادین را - که در آموزه‌های معارف جایگاهی ویژه دارد - مطرح کنیم و مخاطبان خود را با ریشه‌های حوادث چهارده قرن گذشته، و شیوه‌های دشمنان در تمامی زمان‌ها و وظیفه‌های دین باوران در همه‌ی عرصه‌ها آشنا سازیم و راهی روشن برابر آنان بگشاییم.

دشمن شناسی، گفتاری از این دست است که پرداخت جامع و عالمانه به آن، در این زمان، ضرورتی صد چندان یافته است. دست آورد این بحث، هوش مندی و آینده نگری و حضور

آگاهانه در فضای فکری فرهنگی جامعه است تا در پرتو هر یک از این آثار، دست‌های پیدا و پنهان دشمن دیده شود و توطئه‌های مرئی و نامرئی استکبار - در ابعاد مختلف - لمس گردد.

بی‌شک، در این مقال، افزون بر آیات قرآن<sup>(۱)</sup> و سخنان معصومان علیهم‌السلام، تمامی لحظه‌ها و صحنه‌های تاریخ پرفراز و فرود صدر اسلام از لحظه‌ی رحلت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا واپسین ساعات عصر عاشورا<sup>(۲)</sup>، توطئه‌های شکننده‌ی دشمنان در بیست ساله گذشته‌ی انقلاب، سخنان امام راحل - رضوان الله علیه - و مقام معظم رهبری - حفظه الله - مددکاری ارزشمند و رهنمایی روشن خواهد بود.<sup>(۳)</sup>

دست آورد این تحقیق، پدید آمدن قوه‌ی تحلیل سیاسی و تجزیه‌ی حوادث روزمره داخل و خارج کشور، نگرش همه

سویه به پدیده‌های فرهنگی، شبیخون‌های فکری و تهاجم‌های عقیدتی، شعله‌ور شدن شوق و عشق و تعهد نسبت به گنجینه‌های گران قدر معارف ناب دینی و حساسیت افزون‌تر در پاس‌داری از مرزهای عقیدتی و نیروسازی بیش‌تر برای دفاع از آرمان‌های رهبر کبیر انقلاب علیه‌السلام و مقام والای ولایت است.

نوشتاری که در دست دارید، گذری کوتاه بر این بحث است و در سه بُعد «ریشه‌ها»، «شیوه‌ها» و «وظیفه‌ها» تدوین شده است. شایسته است روحانیان ارجمند به بیان این بحث همت گمارند و مخاطبان خویش را از نگرشی نو و هوشیاری بیش‌تر بهره‌مند سازند. ان شاء الله

### ریشه‌ها و بنیان‌های اهداف دشمن

«بینش»، «گرایش» و «کنش» و «واکنش» برخاسته از آن دو ویژگی عمده‌ی انسان است که به مکتب، مذهب، کشور و فرهنگ خاصی وابسته نیست و در وجود همه‌ی نهاده شده است.

بینش انسان‌ها و نوع نگاه آنان به آفرینش، مانند سگه‌یی است که بیش از دو رو ندارد:

۱- **مادی**؛ در این بینش، خوش بودن و گوارا نوشیدن و شیک پوشیدن، هدف نخست افراد است و هر آنچه آدمی، بیش‌تر به زر و زیور زندگی آراسته گردد، خوش‌بخت‌تر خوانده می‌شود، گر چه در این راه گوهر انسانیت خود را خرد کند و عمر خویش را - که یگانه سرمایه‌ی نفیس او است - در تاراج هواها و هوس‌ها از دست دهد.

۲- **الهی**؛ صاحبان این بینش، بر این باورند که زندگی تالار خوش‌گذرانی و ساحل تفریح و شادمانی نیست، بلکه مدرسه‌یی است با دو زنگ. زنگ نخست، دینی و آخرین زنگ، حساب.

هدف‌مندی و هوشیاری و آگاهی، نخستین ویژگی چنین انسان‌هایی است. تفریح و خنده و شوخی و شادمانی، صفات ارزش‌مندی است که در کنار هدف‌مندی جایگاه دارد نه آن که آرمان اصلی زندگی باشد.

دشمن، پیش از هر اقدامی، بینش قدسی و آسمانی انسان را مورد تهاجم

موفق به جلب رضایت غاصبان حکومت شده، با دستی پر و لیبی لبریز از خنده، از حضورشان باز گشتند! (۵)

---

دشمن، پیش از هر اقدامی، بینش قدسی و آسمانی انسان را مورد تهاجم قرار می‌دهد تا وی را از اوج قداست و ارزش مندی، به قعر شهوت و مادی‌گری کشاند و برای همیشه، در کام هواها و هوس‌ها به بند کشد.

---

با اندکی تأمل، این دو آرمان، در این زمان نیز به خوبی لمس می‌شود. آنان که «پروتستانیزم اسلامی» را دامن زدند و با واژه‌های زیبایی مانند «نوآوری» و «اجتهاد آزاد» یکایک احکام الهی را زیر سؤال برده تا معیار سازی سلیقه‌یی را مطرح سازند، به طور خودآگاه و ناخودآگاه، «جامعیت» و «کمال» و «قداست» دین و ارزش‌های مذهبی را خدشه‌دار می‌سازند. (۶) روزی «حجاب» یادگار عهد بردگی خوانده می‌شود؛ روزی دیگر، مهریه و اجاره و مضاربه و مزارعه یادگار عهد فئودالیسم معرفی می‌گردد و

قرار می‌دهد تا وی را از اوج قداست و ارزش مندی به قعر شهوت و مادی‌گری کشاند و برای همیشه، در کام هواها و هوس‌ها به بند کشد. از این رو دو هدف مهم را در دستور کار خود قرار می‌دهد:

۱ - خدشه‌دار کردن جامعیت و قداست دین و بی‌هویت کردن ارزش‌های مذهب.

۲ - آلوده ساختن چهره‌ی مرزبانان فکری - فرهنگی (روحانیان) و بی‌ارزش ساختن تمامی دین باوران. (۴)

پیشینه‌ی این دو، به صدر اسلام و پس از رحلت رسول اکرم ﷺ برمی‌گردد. با رحلت رسول الله ﷺ بدعت و نوآوری زشت، به ساحت دین وارد و احکامی از اسلام، تغییر داده شد. در پی آن، نام‌آورترین مرزبانان فکری - فرهنگی - که از آبشار دانش و بینش پیشوایان معصوم ﷺ بهره‌مند شده بودند - مورد آزار قرار گرفته، پراکنده شدند. احادیث ساختگی، به طور انبوه، به مجموعه‌ی ناب و مقدس سخنان رسول اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ وارد شد تا تمامی احادیث آنان را از اطمینان و قداست ساقط کند و به پاس چنین خیانت بزرگی، ابوهریره‌ها

نخستین گام دشمن در قداست زدایی دین، «ایجاد تردید در باورهای عمومی» و آن گاه «تضعیف ارزش‌های الهی» و سرانجام «تحقیر پای‌بندی و دل‌بسته‌گی به آموزه‌های آسمانی است. او، در این باره، همراه، از «نفوذ افکار بیگانه» استفاده می‌کند تا نوگرایی و نوفهمی و تنوع طلبی افراد را پاسخ داده، ارزش‌های دیرپا و سنتی را خدشه‌دار سازد و افکار و عقاید انحرافی را با لعاب‌های دل‌انگیز و پرجاذبه عرضه کند. از این رو، در قرون نخستین اسلام، اسرائیلیات و مجوسیات و مائویات در

به دنبال آن، پاره‌یی از احکام الهی، ناهمگون با عقل و ناسازگار با زمانه تلقی می‌گردد و گاه نویسنده‌یی قلم به مزد تعدد زوجات را ظلم به زنان تفسیر می‌کند و نصف بودن ارث آنان را ستمی افزون می‌داند و نصف بودن خون‌بها (دیه) و ولایت داشتن جدّ پدری را فاجعه‌یی جبران ناپذیر می‌شمارد؛ و افزون بر گفتار و نوشتار، کاریکاتورهای شرم‌آوری ترسیم می‌شود تا دین را نزد همه، خصوصاً نسل نو، بی‌ارزش سازد.

**شیوه‌ی دشمن در دست‌یابی به اهداف شیطنانی**

روزی، «حجاب»، به عنوان یادگار عهد بردگی عنوان می‌شود و روزی دیگر، مهریه و اجاره و مضاربه و مزارعه، یادگار عهد فنودالیسم معرفی می‌شود و به دنبال آن، پاره‌ای از احکام الهی، ناهمگون با عقل و ناسازگار با زمانه تلقی می‌گردد و گاه، نویسنده‌ای، قلم به مزد، تعدد زوجات را ظلم به زنان تفسیر می‌کند و نصف بودن ارث آنان را ستمی افزون می‌داند و نصف بودن خون‌بها (دیه) و ولایت داشتن جدّ پدری را فاجعه‌ای بی‌جبران بیان کرده و افزون بر گفتار و نوشتار، کاریکاتورهای شرم‌آوری ترسیم می‌شود تا دین را نزد همه، خصوصاً نسل نوچیزی بی‌ارزش نشان دهد.

درون جامعه‌ی اسلامی رخنه کرد و اکنون نیز انقلاب اسلامی ایران با هجوم ایسم‌ها و ایست‌هایی از آن سوی مرزها رو به رو است.

آن‌گاه که با عینک «پلورا ایسم» به تمامی مذاهب بنگریم، بینش‌ها و گرایش‌های یهودیت و مسیحیت و تمامی مذاهب اسلامی، سربلند و شایسته و پابرجا تلقی شده و هیچ حقّ مطلق‌ی یافت نمی‌شود؛ زیرا، با «کثرت‌گرایی»، همیشه لبخند بر چهره نمایان می‌کنیم و آغوشی پر عطفوت، بر تمامی انسان‌ها، چه هدایت یافته و چه گمراه، می‌گشاییم و همه را بر سر سفره‌ی هدایت می‌نشانیم و هر گونه حق‌گرایی و باطل‌ستیزی را شیوه‌ی خشونت‌بار و دور از آداب و رسوم امروز جهانی معرفی می‌کنیم!!

با این نگرش، بسیاری از آیات قرآن، مانند «محمّد رسول الله و الذین معه أشداء علی الکفار رحماء بینهم»<sup>(۷)</sup> و «فقاتلوا أئمة الکفر»<sup>(۸)</sup> باید دگرگون شود! و برخی سوره‌ها، مانند سوره‌ی کافرون - که رسول الله ﷺ به کافران لبخند نزده بلکه آرا و عقاید آنان را به

کلی مردود می‌شمرد و در پایان با جمله‌ی «لکم دینکم و لی دین»<sup>(۹)</sup> حقیقت را یکی دانسته و دیگر ادیان را باطل می‌شمرد. دوری از تشنج زدایی تفسیر شود!! و یا آن‌که دین، به حاشیه‌ی جامعه رفته، سلسله آموزشی اخلاقی، دور از راه‌کارهای اجتماعی - سیاسی تلقی شود که تنها در گوشه‌ی معابد و کنج خانه‌ها جای دارد!

افزون بر آن، با تئوری «قبض و بسط شریعت»، واقعی نبودن سخنان رهبران فکری - فرهنگی جامعه و پدید آمدن قرائت‌های مختلفی از دین جلوه می‌کند. بدین ترتیب، هر کسی، نظری داشته و هیچ سخنی، مقدّس محسوب نمی‌شود تا فردی شایسته و صاحب دانش و بینش برتر، حرف نهایی را درباره‌ی مشکلات جامعه بر زبان جاری کند و مسیر سعادت دین‌باوران را باز نگهدارد!

در کنار این مکاتب پر زرق و برق، گاه فکرهای جدیدی رخ می‌نماید که در آن زن سالاری در خانواده و جامعه مطرح می‌شود (فمینیسم) یا انسان محوری ارائه می‌گردد (اومانیسم) و یا آن

که میهن پرستی و محوریت آب و خاک در برابر دین و آیین به میان می‌آید. (ناسیونالیسم).

دست آورد تمامی این نظرها، جای‌گزینی فکر و فرهنگ و آداب و رسوم غیر آسمانی در دل و دیده و خانواده و جامعه‌ی دینی خواهد بود. پدیده‌یی که از دیر زمان، استعمارگران، به دنبال آن بودند نگاه نورانی و بینش شفاف دین باوران را رابوده، باورهایی مادی و غبارآلود و بی‌مقدار به آن‌ها عرضه کنند و در پی آن، «غیرت دینی» و «جوش و خروش مذهبی» در درون افراد بی‌رنگ گردد و «تساهل و تسامح» نوعی لابلالی‌گری و بی‌توجهی به ارزش‌های والای الهی و دهن‌کجی به مقدسات آسمانی به همراه آورد!!

اسپنسر، فیلسوف معروف انگلیسی، به مأموران مخفی و جاسوسان استعمار پیر انگلستان، این نکته‌ی بنیادین را گوشزد کرد و گفت:

«اخلاق و آداب و زبان و تمدن خودتان را به اقوام و مردم کشورهای دیگر بیاموزید و آنان را به حال خودشان واگذارید که برای همیشه، از آن شما خواهند

بود». (۱۰)

مستر هففر، سلسله دستوره‌های وزارت مستعمرات بریتانیای کبیر را در کتاب «چگونه اسلام را نابود کنیم؟» این گونه بازگو می‌کند:

«باید مسلمانان را از عبادت بازداشت و در سودمند بودن آن تردید افکند، با این دستاویز که خدا از اطاعت انسان‌ها بی‌نیاز است. باید به شدت، از حج و از هر گردهمایی مسلمانان مانند نماز جماعت و حاضر شدن در مجلس‌های (امام) حسین (علیه السلام) و دسته‌های عزاداری جلوگیری کرد، چنان که باید آن‌ها را به شدت از ساختن مساجد و زیارت‌گاه‌ها و حسینیه‌ها و مدارس بازداشت.

باید زنان را تشویق کنیم که چادر از سر بپفکنند و جوانان را تشویق کنیم که به سوی آنان بروند تا فساد در میان‌شان افتد. باید پیام بی‌بند و باری را در جان‌های مسلمانان دمید.» (۱۱)

**مأموریت روشن فکران یا  
اصلاح‌گران**

«روشن فکر» و «اسلام شناس» و

«اصلاح گر»، واژه‌هایی است که گاه، بار گران‌تری بر دوش ملت‌های مستضعف و مسلمان بوده است. در عرصه‌های مختلف، برخی از این افراد طوطی صفت، همانند مهره‌ی نقش آفرین، در لحظه‌های مناسب، به دست استکبار و دشمنان اسلام، چیده می‌شوند و با خامی و بی‌اطلاعی و تاریک دلی، به بیان سخنان یا نگارش واژه‌هایی در مردود سازی برخی احکام قطعی و مسلم دینی می‌پردازند. اینان، با اصطلاحات و عبارات و واژه‌هایی به ظاهر زیبا و پرجاذبه، بدون آن که در محافل مناسب و در برابر اسلام شناسان شایسته و آگاه لب به سخن گشایند، نسل نو را آماج اهداف ناپاک استکبار قرار می‌دهند.

در چنین تهاجمی خدشه‌دار ساختن «جامعیت دین» و «آلوده نمایاندن پاس‌داران مذهب و روحانیان» آرمان اصلی که به یاری ابزارهای زیر دنبال می‌شود:

۱- زیر سؤال بردن دین و معرفت دینی و حقایق تشیع.

۲- ایجاد تردید و تضعیف احکام حیاتی و روشن اسلام، مانند امامت و

ولایت و ولایت فقیه و مرجعیت و ...

«روشن فکر» و «اسلام شناس» و «اصلاح گر»، واژه‌هایی است که گاه، بار گران‌تری بر دوش ملت‌های مستضعف و مسلمان بوده است. در عرصه‌های مختلف، برخی از این افراد طوطی صفت، همانند مهره‌ی نقش آفرین، در لحظه‌های مناسب، به دست استکبار و دشمنان اسلام، چیده می‌شوند و با خامی و بی‌اطلاعی و تاریک دلی، به بیان سخنان یا نگارش واژه‌هایی در مردود سازی برخی احکام قطعی و مسلم دینی می‌پردازند.

۳- ایجاد روحیه‌ی ناسیونالیستی و باستان‌گرایی و ملی‌گرایی به جای عشق و ایمان به آرمان‌های دینی و ترویج چهارشنبه سوری و جشن در تخت جمشید یا تغییر نام میدان امام خمینی در اصفهان به میدان نقش جهان.

۴- تلاش گسترده و فراگیر در کشاندن مسلمانان به سرخوردگی و نومیدی و غرب باوری و پوچی و پذیرش

روحیه‌ی ضعف و سستی در برابر قدرت و عظمت غرب و قدرت‌های مستکبر جهانی.

۵- تحریف تاریخ و تفسیر حوادث گذشته، مطابق با معیارهای نادرست استکباری.

۶- طرح شعارهای فریبنده‌ی سیاسی برای اغفال ساده لوحان و افراد خام؛ شعارهایی مانند دموکراسی و برابری و آزادی خواهی و آزادی برای رسیدن به ولنگاری‌های اخلاقی و هرج و مرج‌های فکری.

۷- رخنه در تشکّل‌ها و مجموعه‌های انقلابی مذهبی و تلاش بسیار در گمراه ساختن انسان‌های پر جنب و جوش و با سابقه و بدون تحلیل و بصیرت؛ تا برخی از این افراد، مقابل نظام و ولایت ایستاده، نوعی تردید و آشفتگی خاطر نسبت به گذشته‌ی انقلاب و نظام ایجاد کنند.

۸- کوشش حساب شده و دقیق و گام به گام در کنار گذاشتن روحانیت متعهد و دل‌سوز با بهانه‌هایی مانند انحصارگر و قدرت طلب و سرسپرده و رشوه خوار و سرمایه‌دار و ...

۹- پدید آوردن دشمنی و بدبینی و در پی آن، ایجاد حالت انتقاد و انتقام بین مسئولان کشور و شخصیت‌های روحانی و افزایش روحیه‌ی گروه‌بندی و باندبازی و حزب‌گرایی، جهت ورود به صفوف خودی‌ها و ایجاد ضربه‌ی سهمگین به نظام و مسئولان قابل اعتماد مردم.

۱۰- تلقین ولایت مداری و عشق به امام زمان علیه السلام از طریق دوری‌گزیدن از مسائل سیاسی و دنیوی و القای این که سعادت‌مندی تنها، پرداختن به دعاها و ذکرها و آداب مستحب هر روز و هر هفته است.

۱۱- شعله‌ور ساختن عشق و علاقه‌ی دین باوران، خصوصاً چهره‌های شاخص و شناخته شده‌ی اجتماع، به لذت‌های دنیا و جلوه‌های دل‌ربای مادیات تا بدین وسیله، در هنگامه‌های حضور دوباره‌ی افراد در صحنه‌های رزم و جهاد، پای آنان بلرزد و میدان را خالی کنند و دیگران نیز با نگاه به هجوم پرشتاب اینان به لذات و خوشی‌های زندگی، به انقلابی‌ها و خداجویان بدین گردند.



دست آورد ایسن پدیده، ریزش زشتی نوارهای انحرافی ویدئو و ماهواره و مجلات مبتذل و نوارهای ویران‌کننده‌ی کاست خواهد بود که آرام آرام، در جای جای جامعه، با قیمت ارزان، به چشم می‌خورد و مانند زلزله‌یی ویران‌کننده، اخلاق و اعتقادات و رفتارهای شایسته را واژگون می‌سازد.

#### پی‌نوشتها:

- ۱ - برای توضیح رک: آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی اعراف و تفاسیر: انوار التنزیل، ج ۳، ص ۶؛ الفرقان، ج ۲، ص ۶؛ میزان، ج ۸، ص ۳۵ و آیه‌ی ۱۰۰ از سوره‌ی آل عمران و تفاسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۸۷، روح المعانی، ج ۴، ص ۱۶؛ صافی، ج ۱، ص ۳۳۶ و آیه‌ی ۱۹۱ از سوره‌ی بقره و تفاسیر: اطیب البیان، ج ۱، ص ۲۲۲؛ تفسیر التبیان، ج ۲، ص ۱۴۹؛ روان جاوید، ج ۱، ص ۲۳۹ و آیه‌ی ۱۹۳ سوره‌ی بقره و تفاسیر روان جاوید، ج ۱، ص ۳۴۰؛ روح البیان، ج ۱، ص ۳۰۶.
- ۲ - رک: رسالت خواص، سید احمد خاتمی (سخنرانی مقام معظم رهبری درباره‌ی عبرت‌های عاشورا به همراه تحلیل جامع مؤلف در ریشه‌یابی حوادث عاشورا و تطبیق

آن با زمان ما) ط دفتر تبلیغات اسلامی قم.  
 ۳ - رک: تبیان موضوعی حضرت امام خمینی علیه السلام و کتاب آمریکا و ایران یا فرهنگ و تهاجم فرهنگی، (تدوین موضوعی سخنان مقام معظم رهبری)، ط وزارت ارشاد اسلامی؛ سلسله آثار مسئولان سیاسی، نظامی و فرهنگی آمریکا در ایران (با نام خاطرات) و ایرانیان همکار با رژیم طاغوت پهلوی (مانند خاطرات ارتشبد حسین فردوست یا کودتای نوژه و...).

۴ - نهضت امام خمینی (س)، ج ۳، سید حمید روحانی، ص ۱ تا ۲۰۰ با تلخیص و گزیده برداری.

۵ - نک: اجتهاد در مقابل نص؛ المراجعات، سید عبدالحسین شرف الدین؛ الغدیر، علامه امینی؛ سیری در صحیحین، محمد صادق نجمی؛ شیعه و بررسی‌های اسلامی، علامه طباطبایی؛ شبهای پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی؛ نقش ائمه در احیاء دین، علامه سید مرتضی عسکری.

۶ - رک: نهضت امام خمینی (س)، ج ۳، ص ۱ تا ۲۰۰.

۷ - فتح / ۲۹.

۸ - توبه / ۱۲.

۹ - کافرون / ۶.

۱۰ - اسلام بر سر دو راهی، ص ۲۳.

۱۱ - خاطرات سیاسی مستر همفر (جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی)، ص ۷۰، ۷۲ و ۷۳.